

مراکز خدمات کشاورزی به‌مثابه الگوی توسعه روستایی

مصطفی ازکیا

مقدمه

جامعه‌شناسان روستایی را اعتقاد بر این است که ارزیابی اجتماعی و اقتصادی طرح‌های توسعه روستایی نظیر اصلاحات ارضی، مراکز خدمات کشاورزی و ... هنگامی میسر است که حداقل یک دهه از عمر آنها گذشته باشد.

از آنجا که از اجرای طرح مراکز خدمات کشاورزی در ایران بیش از چند سالی نمی‌گذرد و از طرفی با توجه به مشکلات اقتصادی کشور که بر اثر انقلاب، محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی به وجود آمده است و منجر به کاهش سهم سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف به ویژه در بخش کشاورزی و از جمله مراکز خدمات کشاورزی شده است، ارزیابی اجتماعی و اقتصادی ناشی از اجرای این طرح در تماسی زمینه‌ها دشوار به نظر می‌رسد. آنچه در این مقاله درباره نتایج اجتماعی و اقتصادی مراکز خدمات می‌آید نتیجه مطالعات متعددی است که اینجانب از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ انجام داده‌ام و طی آن مراکز خدمات دهستان شهرستانهای جیرفت، بلوچستان، بابل، بندرعباس، مغان، قزوین، گرمسار، همدان، فومن، بروجرد، خوانسار و گلپایگان مورد مطالعه قرار گرفته است.

به منظور بررسی اثرات اجتماعی - اقتصادی مراکز خدمات روستایی تعداد ۳۵۷ روستا در شهرستانهای مذکور به عنوان روستاهای تجربی و شاهد انتخاب شد. روستاهای تجربی به روستاهایی اطلاق شد که از امکانات مراکز خدمات بهره‌مند می‌شدند و پروژه‌هایی در آنها به مرحله اجرا درآمده بود و روستاهای شاهد را روستاهایی نامیدم که هنوز زیر پوشش مراکز خدمات قرار نگرفته و از امکانات مراکز خدمات برخوردار نشده بودند.

در این مقاله جمعاً ۱۷۵ مرکز خدمات، ۱۴۸۰ خانوار، ۷۴۳ نفر از اعضای شورای اسلامی دهستان و دهات نمونه و مجموعاً نظرات ۳۵۳ کادر فنی مراکز خدمات کشاورزی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. اطلاعات مورد نیاز از طریق مشاهده، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه و استفاده از اسناد و مدارک موجود جمع‌آوری شده است.

ویژگیهای کلی در باب مراکز خدمات روستایی

بعد از انقلاب اسلامی کشاورزی به دلیل اهمیت استراتژیک آن در تأمین استقلال اقتصادی کشور به عنوان محور اصلی توسعه در نظر گرفته شده و رسیدن به خود اتکالی و سپس خود کفایی در حیاتیترین زمینه یعنی تولید مواد غذایی مورد نیاز کشور در سرلوحه برنامه‌های دولت قرار گرفته است.

بدین منظور دولت سیاستهایی را به‌مورد اجرا گذاشته است که در رأس آنها ایجاد مراکز خدمات کشاورزی و روستایی است که به عنوان الگوی توسعه بخش کشاورزی مورد تأیید قرار گرفته است. قانون تشکیل مراکز خدمات کشاورزی را در تاریخ ۱۴/۳/۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی تصویب کرد و اجرای آن را به وزارت کشاورزی سپرد، متعاقباً آئین‌نامه اجرایی آن با همکاری مشترک سازمان برنامه و بودجه و وزارت کشاورزی تهیه گردید و در جلسه ۳/۴/۶۰ دولت وقت تصویب شد.

بر اساس برنامه زمانی تشکیل مراکز خدمات کشاورزی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ رویهمرفته ۱۵۸۲ مرکز خدمات دهستان در مناطق مختلف کشور تشکیل شده، طی این مدت ۲۰۲ مرکز خدمات شهرستان نیز ایجاد گردید. حوزه عمل و قلمرو فعالیت مراکز خدمات، دهستان است، در آئین‌نامه اجرایی مراکز خدمات روستایی پیش‌بینی شده است که در مواردی که به علت وسعت و شرایط خاص طبیعی و اجتماعی دهستان، یک مرکز خدمات به تنهایی نتواند پاسخگوی نیازهای آن دهستان باشد وزارت کشاورزی می‌تواند مراکز خدمات دیگری با حوزه عمل خاص برای تعداد معینی از روستاها ایجاد کند. لیکن مطالعات ما در مناطق مختلف نشان می‌دهد که در بعضی مناطق چندین دهستان زیر پوشش یک مرکز خدمات قرار گرفته‌اند و یادر پاره‌ای از مناطق فقط تعدادی از روستاهای محدوده یک دهستان زیر پوشش مراکز خدمات قرار گرفته و تعدادی از روستاها عملاً از امکانات مراکز خدمات بی‌بهره‌اند.

مدیریت و نیروی انسانی

مدیریت کشاورزی : در جوامع روستایی که روابط نخستین و چهره به چهره است مدیریت صرفاً از طریق روشهای مرسوم اداری میسر نیست بلکه مستلزم به کار بستن شیوه‌هایی است که از رعایت روابط رسمی و تشریفات صوری مبرا باشد و بتواند با ارزشها و هنجارهای روستایی از در سازگاری برآید.

مهمترین علت استقرار مراکز خدمات روستایی در مراکز دهستانها تحقق طرح عدم تمرکز قدرت و حذف کنترل ادارات مرکزی بر امر توزیع امکانات و منابع خدماتی و نهایتاً تفویض اختیارات و حق تصمیم‌گیری به رده‌های پایینتر است، این مراکز علی‌رغم آنکه در مقابل وظایف و مسئولیتهای محول از اختیارات کافی و متناسب برخوردار نیستند توانسته‌اند با ایجاد ارتباط مستمر با روستاهای حوزه عمل و مطلع شدن از نیازهای واقعی روستاییان کار خدمت‌رسانی به روستاها را به دور از تشریفات اداری و قوانین و مقررات دست‌وپاگیر انجام دهند.

این مراکز اگرچه به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص در رشته‌های مختلف قادر به انجام بخشی از وظایف و مسئولیتهای خود بویژه در زمینه تهیه طرحهای عمرانی نشده‌اند با این وجود توانسته‌اند مسئولیت مهمی چون مدیریت تولید را برعهده بگیرند و با تهیه و تأمین نیازهای کشاورزی و خلاء ناشی از فقدان مدیریت تولیدی را که بر اثر فروپاشی نظام ارباب-رعیتی در جامعه دهقانی مایجاد شده بود پر کنند.

نیروی انسانی

بر اساس آنچه در آییننامه پیش‌بینی شده است حداقل نیروی انسانی مورد نیاز برای تجهیز اولیه هر مرکز خدمات دهستان عبارت از تکنسین یا کارشناس در یکی از رشته‌های زراعت، باغداری، دامپروری، دامپزشکی، جنگل و مرتع ماشین‌آلات کشاورزی، دفع آفات و تکنسین یا کارشناس در یکی از رشته‌های خدمات زیربنایی و تأسیسات و تسهیلات رفاهی و فعالیتهای جنبی کشاورزی متناسب با شرایط و نیازهای منطقه است. لیکن مطالعات انجام شده حاکی از آن است که در اکثر مراکز خدمات دهستان حتی حداقل نیروی انسانی نیز به خدمت مشغول نیست. از طرفی نیروی انسانی شاغل در مراکز خدمات از لحاظ کمی و کیفی متناسب با وسعت قلمرو و فعالیت مراکز و شرایط منطقه‌ای توزیع نشده است در نتیجه پاره‌ای از مراکز خدمات از کارآیی بیشتری برخوردارند و بعضی از مراکز نیز قادر به پاسخگویی به نیازهای روستاهای زیر پوشش خود نیستند. به عنوان مثال در شهرستان جیرفت مراکز خدمات دهگانه فقط دارای دو نفر کارشناسند در حالی که در شهرستان بابل هریک از مراکز خدمات دوازده‌گانه دارای کارشناس متخصص‌اند و تعداد کارشناسان این مراکز به بیست نفر می‌رسد. از سوی دیگر مسئولین مراکز

خدمات در مناطق محروم کشور سواد و تخصص کمتری دارند و اکثر کارشناسان با تجربه به مناطق پیشرفته کشور جذب شده‌اند. مثلاً در شهرستان بابل اکثر مسئولان مراکز خدمات روستایی لیسانس کشاورزی دارند حال آنکه مناطقی چون جیرفت، مغان و بلوچستان به‌طور کلی فاقد کارشناسان و مسئولان مراکز عموماً تکنسین هستند، در مرکز خدمات فنوج بلوچستان با زیر پوشش داشتن ۲۰۰۰ مزرعه فقط ۵ نفر تکنسین به کار مشغولند.

یکی از انگیزه‌های تشکیل مراکز خدمات در دهستان آن بود که کارکنان این مراکز در روستا زندگی کنند تا بتوانند به عمق مسائل و مشکلات روستایی از نزدیک پی ببرند و به‌طور واقع‌بینانه به مشکلات بپردازند. برای این منظور توصیه شده است که حتی المقدور نیروی انسانی شاغل در مراکز خدمات دهستان از اهالی همان روستا انتخاب شوند، لیکن مطالعات انجام شده در مناطق مورد بررسی حاکی از آن است که بر اثر کمبود نیروی انسانی متخصص در بسیاری از مناطق، بویژه مناطق محروم، کارکنان مراکز خدمات دهستان مورد مطالعه از اهالی روستاها نیستند و این امر موجب شده است که در بعضی مناطق کارکنان مراکز خدمات به علت کمبود امکانات رفاهی در روستا اقامت نکنند و به تدریج در مراکز شهرستانها ساکن شوند. در اصل آییننامه آمده است که مراکز خدمات تابع ساعات اداری نیستند و باید به‌طور تمام وقت به خدمت رسانی مشغول باشند اما سکونت در شهر عملاً این اصل را به هم ریخته است و این مراکز را به اداراتی چون سایر ادارات مبدل کرده است.

انحراف از هدفها و سیاستها

هدف از تشکیل مراکز خدمات کشاورزی توسعه فعالیت‌های کشاورزی، روستایی و عشایری از طریق عرضه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی، آموزشی تحقیقی و ترویجی و تهیه و توزیع وسایل و نهاده‌های کشاورزی (انواع سم، کود، بذر اصلاح شده و...) و ارائه تسهیلاتی است که در آییننامه مراکز خدمات روستایی پیش‌بینی شده است.

فعالیت‌های فوق برای تحقق هدفهای زیر است:

- ۱- تأمین خود کفایی جامعه در بلندمدت از طریق اجرای برنامه‌های زیر بنایی و فراهم کردن موجبات توسعه کشت و افزایش تولیدات در واحد سطح و تبعیت و انطباق کامل برنامه‌ها با نیازهای واقعی کشاورزی و بخش دهقانی.
- ۲- فعالیت‌ها در حد نیازهای فعلی و در رابطه با نیازهای آتی به‌صورتی پیش‌بینی شده است که با سایر برنامه‌های تولیدی در بخش صنعت هماهنگ شود به‌طوری که در بلندمدت موجبات قطع وابستگی به خارج در کاربرد ماشین‌آلات و استفاده از تکنولوژی فراهم گردد.

۳- در کلیه مناطق روستایی کشور انتخاب جهت وسیر توزیع اعتبارات برای انجام برنامه‌های عمرانی وزیربنایی بتدریج باید زیرنظر این مراکز قرارگیرد. برای نیل به هدفهای فوق سیاستها وخطمشهای کلی مراکز خدمات به شرح زیر تعیین شده است:

۱- دولت در کار مراکز خدمات دهستان که به عنوان الگوی توسعه در بخش کشاورزی مورد تایید قرار گرفته است دخالت مستقیم نمی‌کند، فقط عوامل وموجبات تولید را براساس نیازهای زارعان فراهم می‌کند. به عبارت دیگر مراکز خدمات محل تلاقی وارتباط دولت با کشاورزان وروستاییان است. برای تحقق این هدف یک مرکز خدمات در ده مرکزی دهستان ایجاد می‌شود که واحد اجرایی برنامه ریزی مستقلی است.

۲- هر برنامه با مشارکت دولت براساس برآورد نیازها شروع می‌شود، سعی بر آن است که در جریان کار عدهای آموزش ببینند و سپس مرحله به مرحله اجرای برنامه به مردم سپرده شود. مراکز خدمات می‌کشند جریان انتقال آموزش و اجرای امور فنی برنامه‌های زیربنایی پیش بینی شده به منظور کاستن اتکای روستا به مرکز و خود کفایی روستاییان صورت گیرد.

نگاهی اجمالی به عملکرد مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه حاکی از آن است که کمبود نیروی انسانی متخصص ومشکلات و تنگناهای اعتباری موجب شده است که مراکز خدمات دهستان قادر به انجام پاره‌ای از وظایف ومسئولیتهای مندرج در آییننامه نگردند و نتوانند در زمینه خدمات بازرگانی، اعتباری، رفاهی وتحقیقی مسئولیتهای خود را انجام دهند. کمبود نیروی انسانی متخصص و کارشناس در زمینه‌های مختلف در سطح دهستانها برنامه ریزی وتهیه طرحهای عمرانی را که وظیفه اصلی مراکز خدمات است با دشواریهایی مواجه ساخته است، در نتیجه طرحهای عمرانی در مراکز خدمات شهرستان تهیه می‌شود که مغایر با اصول آییننامه است.

در زمینه واگذاری وانتقال تدریجی فعالیتهای مراکز خدمات به مردم وتقبل امور فنیتر باید گفت علی‌رغم آنکه مراکز خدمات بتدریج پاره‌ای از فعالیتهای دست‌وپاگیر خود را به مردم واگذارده کرده‌اند لیکن انتقال وواگذاری این قبیل فعالیتها به‌طور کامل وبراساس آییننامه انجام نگرفته است، در حالی که مراکز خدمات عملا مسئولیت توزیع نهاده‌های کشاورزی را به سازمان تعاونی که در واقع بازوی اقتصادی مراکز خدمات روستایی به‌شمار می‌رود واگذار کرده‌اند لیکن در عمل صدور حواله نهاده‌های کشاورزی بخش عمده‌ای از وقت ونیروی مراکز خدمات روستایی رابه خود اختصاص داده است.

در مورد واگذاری ماشین‌آلات کشاورزی به روستاییان نیز باید گفت علی‌رغم تلاشهایی که مراکز خدمات در زمینه رعایت اولویتهای پیش‌بینی شده در مورد واگذاری ماشین‌آلات

کشاورزی انجام داده‌اند در مواردی ماشین‌آلات کشاورزی بدون توجه به ضوابط و ملاحظات تعیین شده واگذار شده است. براساس آییننامه واگذاری ماشین‌آلات باید به صورت گروهی و بادر نظر گرفتن اولویت برای روستاها و روستاییانی که از امکانات کمتری برخوردارند انجام گیرد لیکن مطالعات ما در مناطقی چون گرمسار، قزوین، بندرعباس، جیرفت و مغان حاکی از آن است که در واگذاری ماشین‌آلات به اولویتهای مندرج در آییننامه توجه کافی مبذول نشده است و در مواردی متعدد تراکتور به صورت فردی واگذار شده است. همچنین بعضی از دریافت کنندگان تراکتور علی‌رغم تعهدی که سپرده‌اند از تراکتور در جهت امور غیر کشاورزی مانند بارکشی و ایاب‌وذهاب استفاده می‌کنند و در مواردی ماشین‌روانه بازار سیاه شده است.

مشارکت روستاییان

براساس سیاست و خط‌مشی کلی در مراکز خدمات روستایی دولت در کار تولید کشاورزی دخالت مستقیم نمی‌کند و فقط موجبات تولید را براساس برآورد نیازهای زارعان فراهم می‌کند. نیاز کشاورزان را شوراهای اسلامی و امکانات دولت را ستادهای مرکزی در مراکز خدمات روستایی مشخص می‌سازند. این مراکز به عنوان واحد فنی و برنامه‌ریزی در دهستان، نیازها را از نظر فنی با توجه به سیاستهای کلی بررسی می‌کنند و آن را به صورت طرحهای عمرانی تهیه می‌کنند، سپس با انجام مطالعات و بررسیهای بیشتر و مشخص کردن ابعاد اجرایی و زمان اجرا پروژه‌های اجرایی نیز تهیه می‌گردد. بدین ترتیب شورای ده نیازهای ده و امکانات دولت را بر هم منطبق می‌کند. برخورداری از امکانات دولت مستلزم همکاری روستاییان با مراکز خدمات روستایی است، بدین معنی که تقاضای کشاورزان به شورای اسلامی ده و سپس شورای اسلامی دهستان ارائه می‌شود، موضوع درخواست در این شوراها از نظر ضرورت، اولویت هماهنگی با بافت مجموعه، واکنشهای اقتصادی و اجتماعی تحت بررسی قرار می‌گیرد تقاضای کشاورزان پس از تایید در شورای اسلامی ده و دهستان در مراکز خدمات روستایی از جنبه فنی، اقتصادی اعتباری، امکانات اجرایی و سیاستهای کلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و سپس به صورت طرح عمرانی و پروژه اجرایی تنظیم و تهیه می‌گردد. تقاضای کشاورزان باید سهم مشارکت آنها در اجرای طرح را مشخص سازد، نوع مشارکت در اجرای طرح ممکن است به صورت نقدی، جنسی و خدماتی باشد. بدین ترتیب برخورداری از امکانات دولت مستلزم دخالت، مشارکت و نظارت یعنی حضور دایم و همه‌جانبه روستاییان از طریق شوراهای روستایی است. در باب شوراهای اسلامی ده و دهستان باید گفت که شوراهای موجود در بعضی از مناطق از کارایی کافی برخوردار نیستند و نمی‌توانند وظایف و مسؤلیتهای سنگینی را که در آییننامه پیش‌بینی شده است انجام دهند این امر ناشی از عواملی است که در رأس آن فراهم نبودن زمینه مناسب جهت جلب

مشارکت روستاییان قرار دارد. شوراهای روستایی به ابتکار روستاییان تشکیل نشده است، آنچه روستاییان را پیرامون شوراها گرد آورده است مشارکتی دستوری بوده است. در جوامع روستایی که مردم طی سالیان دراز فرصت دخالت و مشارکت در سرنوشت خویش را نیافته اند جلب مشارکت مردم و دخالت دادن آنان در امور مربوط به خودشان مستلزم زمینه‌سازیهایی اجتماعی لازم است. اگرچه مراکز خدمات روستایی به‌طور اعم و جهاد سازندگی به‌طور اخص قبل از تشکیل شورا، روستاییان را در جریان اهداف و وظایف شورا و لزوم مشارکت در آن قرار داده‌اند. لیکن مشارکت مردمی که طی سالیان دراز به تجربه آموخته‌اند که در تعیین سرنوشت خویش سهمی ندارند تنها با چند جلسه سخنرانی میسر نیست مشارکت واقعی در شوراها مستلزم ایجاد دگرگونیهای فرهنگی در جوامع روستایی است تا روستاییان هویت واقعی خود را باز یابند و با آموزشهایی که به آنان داده می‌شود ضرورت مشارکت در شورا را احساس کنند و با انتخاب افرادی مطلع و آشنا به امور کشاورزی و تولیدی، شورایی تشکیل دهند که قادر به حرکت در جهت منافع عمومی اقشار مختلف روستایی باشد.

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که علی‌رغم تلاشهای زیادی که اعضای جهاد سازندگی و کارکنان مراکز خدمات در مناطقی چون جیرفت، بابل، گرمسار، قزوین و یلوچستان در جهت آشناساختن روستاییان به اهداف، وظایف و مسئولیتهای شورا به عمل آورده‌اند روستاییان هنوز در جریان هدفهای شورا و لزوم مشارکت در آن قرار نگرفته‌اند و به درستی نمی‌دانند که چه افرادی را با چه ویژگیهایی باید نامزد عضویت در شورای ده کنند. در نتیجه بسیاری از شوراهای روستایی از میان کارمندان، آموزگاران، رانندگان، دکانداران، محصلین و افراد ناآشنا به امور کشاورزی برگزیده می‌شود و طبیعی است که چنین شوراهایی نمی‌توانند از کارایی کافی برخوردار شوند و قادر نیستند وظایف و مسئولیتهای خطیری را که در آییننامه مراکز خدمات پیش بینی شده است به انجام رسانند.

بر اساس آنچه در آییننامه مراکز خدمات پیش بینی شده است شورای اسلامی دهستان باید از میان نمایندگان شوراهای روستایی محدوده دهستان تشکیل گردد. بدین ترتیب که شورای اسلامی هر روستا، یک نفر را از میان اعضای خود برای عضویت در مجمع عمومی دهستان معرفی کند و اعضای تعیین شده در مرکز دهستان مجمع عمومی دهستان را تشکیل دهند تا از میان اعضای خود حداکثر هفت نفر را برای مخفی و مستقیم به عنوان اعضای شورای اسلامی دهستان انتخاب کنند. لیکن مطالعات ما نشان می‌دهد از آنجا که شوراهای روستایی از کارایی کافی برخوردار نیستند مراکز خدمات در بعضی مناطق مانند قزوین و بابل برای تشکیل شورای دهستان اقدامی به عمل نیاورده‌اند و در مناطقی دیگر چون گرمسار، جیرفت و بندرعباس مراکز خدمات شورایی بنام شورای کشاورزی متشکل از کشاورزان با تجربه روستاهای محدوده دهستان

را جایگزین شورای دهستان کرده‌اند در نتیجه ارتباط شورای ده با شورای دهستان و سایر شوراها و نهایتاً با شبکه سراسری شورایی کشور قطع شده است. از سوی دیگر از آنجا که در تشکیل شورای ده و دهستان دو مرجع دخالت می‌کنند، (مرکز خدمات و جهاد سازندگی) دو شورایی که فلسفه وجودیشان در ارتباط متقابل خلاصه شده است مشکلی بر سر راه مشارکت روستائیان با مراکز خدمات روستایی بشمار می‌رود شوراها را روستایی بوسیله جهاد سازندگی تشکیل می‌گردد و مسئولیت تشکیل شوراها را دهستان برعهده مراکز خدمات روستایی است. از آنجا که ملاکهای عضویت در این دو شورا از دیدگاه دست اندرکاران و مراجع تشکیل دهنده شوراها متفاوت است زیرا یکی به ملاکهای اعتقادی و دیگری به تخصص و تجربه در امور کشاورزی اولویت می‌دهند، شوراها را ده و دهستان متجانس و هماهنگ نیستند و نمی‌توانند بایکدیگر همکاری کنند.

اثرات اقتصادی مراکز خدمات

باید اذعان کرد که مراکز خدمات علی‌رغم آنکه چند سالی بیشتر نیست که به فعالیت مشغولند و در این مدت نیز بر اثر دشواریهای ناشی از جنگ تحمیلی و محدودیتهای اعتباری قادر به اجرای کلیه برنامه‌ها و طرحهای پیش‌بینی شده در روستاهای حوزه فعالیت خود نشده‌اند، گامهای مؤثری در جهت توسعه کشاورزی برداشته‌اند و می‌توان گفت تا حدودی به وضع نابسامان کشاورزی کشور سروسامانی بخشیده‌اند.

دگرگونی در عوامل تولید

ایجاد دگرگونی اساسی در کشاورزی مستلزم بهره‌برداری مطلوب از منابع آب و خاک و نیروی کار است. مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه به منظور دستیابی به این هدف در چند سال اخیر با اجرای پروژه‌های زیربنایی آب و خاک گامهایی مؤثر برداشته‌اند: از جمله می‌توان به تسطیح اراضی اشاره کرد که کاربرد ماشین‌آلات را تسهیل کرده، موجب صرفه‌جویی در آب و نیروی کار، سهولت در کودپاشی و سمپاشی، کاهش هزینه‌های زراعی و افزایش بازدهی در واحد سطح گردیده است. به‌طور اخص می‌توان از مراکز خدمات روستایی دو دانگه و اسدآباد از شهرستان تاکستان نام برد که طی دوران فعالیت خود توانسته‌اند ۱۰۰ هکتار از اراضی روستاهای حوزه عمل خود را تسطیح کنند. مراکز خدمات کشاورزی مناطق بروجرد، مغان و جیرفت نیز تا حدی به این مهم اقدام کرده‌اند. مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه در زمینه توسعه منابع آب با اجرای طرحهایی چون احداث چاه عمیق و قنات لایروبی و سرست قنات، احداث کانالهای آبرسانی و استخراج ذخیره آب منابع آب، به آبادانی روستاهای تحت پوشش خود

یاری رسانده‌اند و اقدامات موثری در تبدیل اراضی دیمی کم بازده به اراضی آبی انجام داده‌اند و در نهایت به سطح زیر کشت محصولات مختلف بویژه غلات و نباتات علوفه‌ای افزوده‌اند. مطالعات ما در مناطق مختلف نشان می‌دهد که بخش عظیمی از طرحهایی را که مراکز اجرا کرده‌اند به آب و خاک اختصاص دارد. به عنوان مثال در منطقه بندرعباس از تعداد ۴۷ طرحی که مراکز خدمات در روستاهای زیر پوشش خود اجرا کرده‌اند ۷۳ درصد آنها مربوط به آب و خاک بوده است. همچنین از ۳۸ پروژه اجرا شده در روستاهای حوزه عمل مراکز خدمات روستایی شهرستان جیرفت ۷ درصد به پروژه‌های آب و خاک اختصاص دارد. در منطقه بلوچستان نیز از ۶۰ پروژه‌ای که طی دوران فعالیت مراکز خدمات در روستاها اجرا شده است ۶۶ درصد آن مربوط به پروژه‌های آب و خاک است.

مراکز خدمات کشاورزی در منطقه قزوین در زمینه توسعه منابع آب موفق به حفر دو حلقه چاه عمیق، لایروبی پنج رشته قنات، سرست ۱۴ رشته قنات، احداث ۸۱۳۲ متر کانال آبرسانی و ۱۵ باب استخر ذخیره آب، پوشش ۱۱ نهر جهت جلوگیری از پرت آب واحداث سیل-بند سطح زیر کشت آبی را افزایش داده است در نتیجه نسبت به قبل از انقلاب اسلامی بر سطح زیر کشت محصولات حدود ۳۴ هکتار افزوده است، در منطقه بلوچستان نیز از ۶۰ پروژه‌ای که مراکز خدمات مطالعه شده انجام داده‌اند، ۶۶ درصد آن مربوط به پروژه‌های آب و خاک است. در منطقه بروجرد در ۸ مرکز خدمات کشاورزی دهستان مورد بررسی حدود ۴۸ پروژه عمرانی اجرا شده است که ۵۳ درصد آن یعنی بیشترین درصد پروژه‌های مربوط به اجرای آب و خاک است و پس از آن پروژه‌های زراعی (۲۰ درصد) در اولویت بعدی قرار دارد. در مناطق خوانسار و گلپایگان جمعاً ۷ مرکز خدمات کشاورزی وجود دارد که کلیه این مراکز مورد مطالعه قرار گرفته است در این مناطق ۸۵ درصد پروژه‌های اجرا شده در زمینه آب و آبرسانی بوده است.

یکی از اقدامات چشمگیر مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه تأمین آب مورد نیاز اراضی واگذار شده از سوی هیئتهای هفت نفره به افراد بی زمین روستاهاست. به عنوان مثال در منطقه قزوین مراکز خدمات روستایی به منظور تأمین آب مورد نیاز اراضی واگذار شده با حفر یک حلقه چاه عمیق و یک رشته قنات واحداث کانال آبرسانی توانسته‌اند ضمن تأمین آب آشامیدنی ۶۰۰۰ رأس دام در یک روستا ۵۵ هکتار از اراضی واگذاری در دو روستا را زیر کشت گندم و ۵ هکتار از اراضی را زیر کشت یونجه ببرند و عملکرد یونجه را از یک چین به سه چین در در سال افزایش دهند. تهیه و توزیع ماشین‌آلات و قطعات یدکی با تأکید بر شناخت و لزوم مکانیزاسیون و مقایسه عرضه و تقاضای نیروی انسانی و سایر شرایط مناسب و بهره‌برداری و تعمیر و نگهداری آن یکی از هدفهای مهم مراکز خدمات روستایی است.

مراکز خدمات روستایی تا سال ۶۰ با ارائه خدمات ماشینی در مراحل مختلف کاشت

برداشت نیازهای کشاورزان را در روستاهای زیر پوشش رفع کرده و از سال ۱۳۶۰ به بعد به پیروی از سیاست و خط مشی کلی مراکز خدمات، ماشین آلات و ادوات کشاورزی را به روستاییان واگذار کرده اند. به عنوان مثال تعداد تراکتورهای موجود در روستاهای حوزه عمل مراکز خدمات شهرستان مغان قبل از تأسیس مراکز خدمات ۳۳ دستگاه و تعداد کمباین موجود ۲ دستگاه بود که این رقم پس از تأسیس مراکز خدمات و واگذاری ماشین آلات به روستاییان به ۴۲۰۰ دستگاه تراکتور و ۳۰۰ دستگاه کمباین افزایش یافته است. همچنین مراکز خدمات شهرستان قزوین طی این مدت ۱۶۵۵ دستگاه تراکتور و مراکز خدمات روستایی بندرعباس در ۲۸ روستای مورد مطالعه ۱۱۸ دستگاه تراکتور به روستاییان واگذار کرده اند. در شهرستان بابل میزان استفاده از ماشین آلات کشاورزی بعد از تشکیل مراکز افزایش داشته است. در گلپایگان و خوانسار روند افزایش میزان ماشین آلات کشاورزی بعد از تشکیل مراکز خدمات کند بوده است، ولی در مجموع میزان استفاده از آنها افزایش یافته است. در منطقه بروجرد علاوه بر افزایش ماشین آلات کشاورزی برخی از مراکز مبادرت به تأسیس شرکت تعاونی مکانیزاسیون کشاورزی کرده اند، به طوری که ۶ شرکت تعاونی مکانیزاسیون و یک شرکت سهامی خاص تشکیل شده اند و به فعالیت مشغولند. این شرکتها در زمینه کشت غلات، علوفه، چغندر قند به روستاییان یاری می رسانند.

بررسیهای میدانی در باب میزان قوه اسب بخار در هکتار در جیرفت نشان می دهد که قبل از تشکیل مراکز خدمات میزان قوه اسب بخار در هکتار ۳۵/۰ بوده و پس از تشکیل مراکز خدمات به حدود ۹/۰ اسب بخار در هکتار رسیده است. که با محاسبه پرت آن به رقمی در حدود ۶۸/۰ می رسیم این رقم در قزوین قبل از تشکیل مراکز ۶۹/۰ برآورده شد بود، بعد از تشکیل مراکز به ۱/۳۸ اسب بخار در هکتار افزایش یافته است که با محاسبه میزان پرت، نیروی مفید در هکتار به حدود ۹۸/۰ اسب بخار رسیده است. این رقم در بروجرد حدود ۷۹/۰ اسب بخار است.

آن مراکز خدمات روستایی که مجهز به تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی بوده اند پس از واگذاری ماشین آلات با ارائه خدمات تعمیرگاهی نسبت به تعمیر و سرویس ماشین آلات کشاورزی موجود در روستاهای محدوده دهستان اقدام کرده اند و در حد امکانات خود قطعات و لوازم یدکی ماشین آلات را در اختیار متقاضیان قرار داده اند مراکز خدمات روستایی همچنین از آغار فعالیت نهادهای کشاورزی نظیر بذر، کود شیمیایی، سموم دفع آفات نباتی خوراک دام و طیور، واکسن ها و داروهای مورد نیاز دام پزشکی را تهیه کرده و در اختیار کشاورزان قرار داده اند.

دگرگونی در منابع تولید

از ویژگیهای جوامع روستایی تنوع فعالیتهای تولیدی بویژه در مناطقی است که

کشاورزی معیشتی و تولید به منظور تأمین نیازهای مصرفی خانوار انجام می‌گیرد. بدین ترتیب در حالی که در اکثر روستاها زراعت، شیوه غالب تولید به‌شمار می‌رود، باغداری و دامداری و در مواردی صنایع دستی نیز در کنار زراعت رواج دارد و به‌عنوان فعالیت‌های جنبی خانوار به‌شمار می‌رود. از این نظر در آییننامه مراکز خدمات پیش‌بینی شده است که مراکز خدمات روستایی در زمینه زراعت باغداری و دامداری خدمات مورد نیاز کشاورزان را عرضه نمایند.

مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه طی دوران فعالیت خود در جهت دگرگون‌سازی منابع تولید گانهایی برداشته‌اند که اگرچه در بعضی از زمینه‌ها مانند باغداری و دامداری کافی نبوده است لیکن توانسته است پاره‌ای از مشکلات باغداران و دامداران را رفع کند، در زمینه زراعت، مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه با انجام عملیات زیربنایی آب و خاک از جمله تسطیح و زه‌کشی و نهایتاً اصلاح اراضی موجب بهبود عملکرد و افزایش بازده محصولات مختلف، کاهش هزینه‌های تولید و نهایتاً افزایش درآمد کشاورزان گردند. این مراکز با توسعه منابع آب، سطح زیر کشت آبی را در مناطق مختلف افزایش داده‌اند، به‌عنوان مثال پس از تشکیل مراکز خدمات در بندرعباس سطح زیر کشت آبی ۲۰ درصد افزایش یافته است. این رقم در مغان ۱۰ درصد و در بابل ۲۰ درصد بوده است در منطقه گلپایگان و خوانسار سطح زیر کشت در دهات نمونه مورد بررسی حدود ۱۰ درصد و در بروجرد حدود ۱۸/۵٪ گزارش شده است. در زمینه یک پارچه کردن اراضی برخی از مراکز خدمات فعالیت‌هایی داشته‌اند که چشمگیرترین آنان در منطقه بروجرد صورت گرفته است در این منطقه از سال ۱۳۶۱، امریکپارچگی اراضی شروع شد و جمعاً در ۱۶ روستا زمینی به مساحت ۵۳۷۷ هکتار اراضی آبی به‌صورت یکپارچه درآمده در منطقه اراک، در مراکز خدمات توره قم یک پارچه کردن اراضی از سرز ۴۰۰۰ هکتار نیز تجاوز کرده است این کار در سایر مراکز خدمات روستایی این دو شهرستان به خوبی پیشرفت کرده است. مطالعه، در منطقه اراک نشان می‌دهد که متوسط قطعات اراضی قبل از یکپارچه کردن ۲۱ قطعه و در بروجرد ۴۲ قطعه بوده است که در حال حاضر بین ۲ تا ۶ قطعه است. این امر در کاربرد بهتر ابزار و ادوات ماشینی و صرفه‌جویی از آب زراعی بسیار موثر بوده است. در زمینه دامداری یکی از فعالیت‌های مراکز خدمات روستایی مورد مطالعه تشویق دامداران دارای زمین و آب به کشت ذرت علوفه‌ای، ترویج علوفه‌کاری و ایجاد سیلوهای ذخیره ذرت برای تأمین علوفه زمستانی مورد نیاز دامداران بوده است. این سیلوها معمولاً به‌قیمت نیم‌بها و به‌صورت ترویجی احداث می‌شدند و مراکز خدمات با آموزش و تشویق دامداران به کشت علوفه و ذخیره آن در سیلو، گام موثری در تأمین علوفه زمستانی دامداران برداشته‌اند. از جمله مشکلات دامداران در اکثر مناطق تأمین آب شرب دامهاست. در اکثر مواقع منابع احشام فاصله زیادی بایکدیگر دارند و احشام برای دستیابی به آب مجبور به راه‌پیمایی زیاد هستند و این امر موجب کاهش وزن

آنها و کاهش راندمان تولیدی سرانجام می‌گردد. بعلاوه این منابع غیر بهداشتی اند و دارای انگلهای زیادی هستند و موجب افزایش تلفات و بیماریهای دام می‌شوند. مراکز خدمات مورد مطالعه به منظور تأمین آب مورد نیاز احشام در مناطق مختلف به ایجاد آبشخور دام مبادرت کرده‌اند و مشکل دامداران را در این زمینه تا حدی رفع کرده‌اند.

مراکز خدمات همچنین به منظور شناسایی و پیشگیری و مبارزه با بیماریهای داسی ضمن انجام واکسیناسیون به احداث حمامهای ضدکنه پرداخته‌اند. زیرا این انگل عامل بیماری زردی است و همه ساله خساراتی به دامداران وارد می‌سازد ایجاد این حمامها ضایعات و تلفات دام را در روستاهای زیر پوشش کاهش داده است. این مراکز جهت ریشه کن ساختن بیماری داسی و بیماریهای مشترک بین انسان و دام در زمینه شناخت بیماریها، تزریق آنتی بیوتیک و طریقه صحیح خوراندن داروها، نحوه سمپاشی اصطبلها و بهداشتی کردن آنها به نحوه خون‌گیری برای تشخیص بیماری سل و بروسلاز و دور ساختن دام آلوده از گله روستاییان را آموزش داده‌اند. در زمینه فعالیتهای واکسیناسیون دام در منطقه قزوین حدود ۵۰ درصد از احشام علیه بیماریها واکسینه شده‌اند. در همین منطقه حدود ۵۰ آبشخور، حدود ۶۰ حمام ضدکنه و نزدیک به ۵ هزار اصطبل بهداشتی احداث شده است. در منطقه جیرفت علاوه بر فعالیتهای مذکور کلینیک دامپزشکی و ایستگاه تلقیح مصنوعی، نیز ساخته شده است، بعلاوه در ۶ درصد از مراکز خدمات کشاورزی این منطقه اکیپ‌های دامپزشکی تشکیل شده است.

در مورد سایر فعالیتهای مربوط به بخش دام باید اشاره کرد که در مراکز قزوین، بابل بندرعباس اقداماتی در مورد تشویق مردم به تکثیر دامهای اصلاح شده و معرفی دامداران به مقامات ذیصلاح و صدور حواله لازم جهت دریافت دام اصیل مبادرت شده است. بعلاوه خدمات ترویجی و آموزشی در همین زمینه در سطح روستاهای مورد مطالعه در جهت اعمال مدیریت صحیح برای روشهای نوین دامداری در میان دهقانان به میزان نسبتاً کافی ارائه شده است.

در منطقه بروجرد احداث حمام ضدکنه، تأسیس ۱۷ آبشخور جهت شرب بهداشتی دامها، ریشه کن کردن بیماریهای مشترک انسان و دام، واکسیناسیون دامها به ضد بیماریهای مختلف، ضد عفونی کردن اماکن داسی و خونگیری از دامهای آلوده اقداماتی شده است. در زمینه اصلاح نژاد دامها در ۷۰٪ از مراکز، اکیپ تلقیح مصنوعی به فعالیت پرداخته است. بعلاوه عملیات اصلاح نژاد گاوهای بومی دورگ و گاودورگ به اصیل آغاز شده است و دامداران به اصلاح نژاد گاوهای بومی تشویق می‌شوند و آموزشهای لازم به آنها ارائه می‌گردد. به منظور تأمین و توزیع غذای مکمل دامداران ۷۰ درصد از مراکز اقدام به توزیع سبوس و کنسانتره کرده‌اند.

در زمینه ترویج شیوه‌های نوین کشاورزی باید گفت که اکثر مراکز خدمات مناطق مطالعه شده فعالیتهای چشمگیری داشته‌اند. نتایج مطالعات در مناطق مختلف نشان می‌دهد

که در طول سالهای گذشته، امر آموزش کارکنان و کارشناسان از طریق تشکیل کلاسهای یک ماهه در تهران ویا مراکز استانها انجام گرفته است.

در این کلاسها سعی بر آن بود که ضمن دعوت از کارشناسان ارشد وزارت کشاورزی و اساتید دانشگاهها دانش کارکنان در زمینه های مختلف کشاورزی، فنی اقتصادی و اجتماعی افزایش یابد.

در مورد آموزش دهقانان در زمینه های مختلف نتایج بررسی این واحد، حاکی از آن است که به علت کمبود امکانات آموزشی، مراکز خدمات قادر به تشکیل کلاسهای آموزش منطقه در سطح دهستان نشده اند و آموزشها عمدتاً انفرادی و بدون برنامه مشخص بوده است. نحوه آموزش کادرفنی و تخصصی مراکز نایکدیگر متفاوت است به این معنی که در مراکزی که کادرفنی آن بیشتر، سروجین هستند، کارهای ترویجی و تحقیقی و انتقال دستاوردهای علمی و فنی به جامعه دهقانی بیشتر صورت گرفته است. زمینه مشترک ترویجی که در کلیه مراکز مورد بررسی، مشاهده شده است نحوه استفاده صحیح از کود و سموم و نهاده های کشاورزی بوده است. در ۶۰ درصد از مراکز این گونه خدمات مفید ارائه شده است. آموزشهای دیگری که مراکز خدمات به روستاییان می دهند شامل آماده سازی زمین، آیش، فصل کشت مناسب، آبیاری صحیح، ضد عفونی کردن بذر، نحوه کشت دیم کاربرد صحیح ماشین آلات آموزش هرس، سمپاشی درختان میوه و تهیه جعبه مرغوب برای بسته بندی محصولات سردرختی بوده است. در زمینه ترویج و اشاعه روشهای نوین کشاورزی می توان از ایجاد مزارع کشاورزی و تشویق دامدارانی که زمین وآب دارند به کشت ذرت علوفه ای و حفر سیلوهای ذخیره ذرت جهت تأمین علوفه زمستانی نام برد. بعلاوه در قزوین و بابل و همدان و بروجرد با توزیع کندوهای رسمی زنبورداران را در زمینه بهداشتی کردن زنبورستانها یاری داده اند. در منطقه بروجرد مراکز خدمات کشاورزی در ۳۰ درصد موارد با توصیه مراجع تحقیقاتی و در ۲۵ درصد موارد به تشخیص کارشناسان مرکز، کشت های جدیدی به زارعین توصیه کرده اند، به نظر می رسد که مراکز خدمات ضمن انجام کلیه فعالیتها و خدماتی که در چارچوب آییننامه انجام می دهند، امر ترویج و آموزش این فعالیتها را نیز به کشاورزان می آموزند. به عبارت دیگر در شرایط فعلی مراکز خدمات کشاورزی در کلیه زمینه های آب و خاک، مکانیزاسیون، زراعت، دفع آفات، چگونگی تبدیل اراضی دیم کم بازده به مرتع در درجه اول به امر آموزش غیر رسمی این فعالیتها مشغولند. در صورتی که مراکز خدمات کشاورزی تقویت شوند و اعتبارات مورد نیاز و پرسنل کارآمد و متخصص در اختیارشان قرار گیرند می توانند علاوه بر فعالیتهای زیربنایی، نحوه آموزش و ترویج در زمینه های مختلف را به دهقانان منتقل کنند. سیاست محدود کردن فعالیت مراکز خدمات کشاورزی فقط به زمینه های ترویجی سبب انحراف مراکز خدمات از فعالیتهایی است که تا کنون انجام می دادند.

مسائل و مشکلات موجود بر سر راه مراکز خدمات روستایی

مراکز خدمات کشاورزی با مسایل و مشکلاتی مواجه اند که رسیدگی به آنها می تواند جهت مسیر حرکت این مراکز را در راه تأمین استقلال اقتصادی کشور و رسیدن به خوداتکایی و سپس به خود کفایی در زمینه مواد غذایی مورد نیاز کشور هموار سازد. برخی از این مشکلات ناشی از مسائل درونی است و در روستاها ریشه دارد که در رأس آنها تنگناهای موجود در راه جلب مشارکت و همکاری روستاییان در جریان تصمیم گیریهای مربوط به خویش است. عوامل باز دارنده و موانعی که بر سر راه مشارکت روستاییان قرار دارد عمدتاً به قرار زیر است:

۱- شوراهای اسلامی روستاییان که باید مرجع تشخیص و ارائه نیازهای ده به مرکز خدمات دهستان باشند و نیازهای ده و امکانات دولت را با هم تطبیق کنند در بسیاری از مناطق فاقد کارایی لازمند و قادر به انجام وظایف و مسئولیتهای سنگینی که در آییننامه مراکز خدمات روستایی پیش بینی شده است، نیستند.

۲- در تشکیل شوراهای روستایی شرایط ذهنی مناسب فراهم نشده است و روستاییان در جریان هدفها و وظایف شورا و ضرورت مشارکت در آن قرار نگرفته اند و به درستی نمی دانند که چه افرادی را با چه ویژگیهایی باید نامزد عضویت در شورای ده کنند.

۳- در ترکیب شوراهای روستایی نسبت وزنی جمعیت اقشار عمده روستایی رعایت نشده است، شوراها عمدتاً از کارمندان، آموزگاران، دکانداران، رانندگان، محصلان و افراد نا آشنا به امور کشاورزی تشکیل شده است اینان نماینده کلیه اقشارده نیستند و نمی توانند در جهت منافع عمومی همه قشرهای روستایی حرکت کنند و توانایی انجام وظایف و مسئولیتهای سنگین پیش بینی شده در آییننامه را ندارند و مورد پذیرش مراکز خدمات کشاورزی نیستند.

۴- عدم کارایی شوراهای روستایی موجب شده است که مراکز خدمات کشاورزی، شورای اسلامی دهستان را از میان نمایندگان شوراهای روستاهای محدوده دهستان انتخاب نکنند و عملاً مانع از برقراری رابطه زنجیره ای بین شورای ده با شورای دهستان و نهایتاً باشبکه سراسری شورایی کشور گردند.

۵- عدم تشکیل شورا در بعضی از روستاها بر اثر دودستگی و اختلافات محلی، موجب انحلال زودرس شوراهای و یا عدم کارایی شوراهای روستایی شده است، نیازهای بعضی از روستاها به مراکز خدمات منعکس نمی شود و در سواردی امکانات دولت به صورت عادلانه بین روستاها توزیع نمی گردد.

۶- عدم کارایی شوراها و در نهایت عدم مشارکت روستاییان در تشخیص نیازهای ده موجب شده است که روستاییان بدرستی در جریان هدفهای کمی و کیفی بعضی از طرحهای عمرانی و ضرورت اجرا و نتایج حاصل از آنها قرار نگیرند در نتیجه از اجرای پاره ای از طرحها

استقبال به عمل نیاورند و از پرداخت ۳ درصد سهم مشارکت خود خودداری نمایند حاصل آنکه بسیاری از طرحهای عمرانی پس از رفتنها و برگشتنهای بسیار جهت تصویب فقط به علت عدم مشارکت روستاییان به مرحله اجرا در نیایند.

۷- تشکیل دو شورای ده و دهستان به سبب دخالت مراجع متفاوت در انتخاب آنها و متفاوت بودن ملاکهای عضویت در شوراها از دیدگاه دست اندر کاران و مراجع تشکیل دهنده دو شورای ده و دهستان موجب ترکیب ناهماهنگ شوراها و عدم همکاری متقابل بین آنها گردیده است.

۸- قطعه قطعه بودن اراضی کشاورزی در بسیاری از روستاها از یک طرف وانگیزه مالکیت فردی و نگرانی دهقانان از سلب مالکیت و از دست دادن اراضی تحت تصرف خود از طرف دیگر عواملی عمده بر سر راه مکانیزه کردن کشاورزی و ترویج شیوه های نوین به منظور بهره برداری مطلوب از منابع آب، خاک و نیروی کار است. مراکز خدمات علی رغم تلاشهایی که در زمینه تشویق دهقانان به یکپارچه کردن اراضی مزروعی کرده اند و گاهی که مراکز خدمات به صورت مقطعی در بعضی مناطق برداشته اند به سبب سوانح فرهنگی موجود در جوامع روستایی، دشواریهای حقوقی ناشی از تعویض اراضی مزروعی و سهم تراز همه تفسیر نادرستی که از یکپارچگی اراضی وجود دارد نتوانسته اند دهقانان را به یکپارچه کردن اراضی قانع کنند. دهقانان یکپارچگی اراضی در داخل نسق را به یکپارچگی اراضی در سطح ده ترجیح می دهند و بهره برداری جمعی و گروهی از اراضی و از بین رفتن مالکیت فردی توجیه کنند.

۹- کثرت و پراکندگی روستاها در مناطقی چون بلوچستان، ابعاد گسترده محرومیت در این مناطق، کمبود تعداد مراکز خدمات کمبود امکانات و نیروی انسانی، امکان سرکشی به روستاهای حوزه عمل و عرضه خدمات کشاورزی را از مراکز خدمات روستایی سلب کرده است. مشکلات بیرونی که بر سر راه مراکز خدمات روستایی قرار گرفته اند و موجب کاهش کارایی این مراکز شده اند بطور عمده بقرار زیر است:

۱- بین وسعت قلمرو روستاهای زیر پوشش و امکاناتی که در اختیار مراکز خدمات است تناسبی وجود ندارد به عنوان مثال مراکز خدمات روستایی فنوج در بلوچستان که ۲۰۰ ده و مزرعه زیر پوشش دارد علی رغم محرومیت منطقه از امکانات، مراکز خدمات روستایی ابوذر شهرستان گرسار که ۲۴ ده و مزرعه زیر پوشش دارد برخوردار نیست.

۲- نیروی انسانی شاغل در مراکز خدمات چه از لحاظ کمی و چه از نظر کیفی (میزان سواد و تخصص و تجربه شغلی) بین مراکز خدمات روستایی به طور عادلانه توزیع نشده اند در نتیجه بعضی از مراکز خدمات کشاورزی کارایی لازم را ندارند.

۳- در توزیع امکانات و نیروی انسانی به شرایط منطقه ای توجه کافی مبذول نشده است

وسراکز خدمات روستایی مناطق محروم کشور علی‌رغم نیاز بیشتر به امکانات حتی از حداقل نیروی انسانی بی‌بهره‌اند.

۴- کمبود نیروی انسانی بومی متخصص در مناطق مختلف کشور و جذب افراد غیر بومی در مراکز خدمات دهستان موجب شده است که بسیاری از کارکنان مراکز خدمات قادر به سکونت در مرکز دهستان و یا روستاهای محدوده دهستان نباشند و برخلاف آنچه در آییننامه پیش‌بینی شده است مراکز خدمات کشاورزی از ساعات اداری تبعیت می‌کنند و امر خدمت رسانی فقط به ساعات اداری منحصر شده است.

۵- چند پیشه‌بودن کارکنان مراکز خدمات، فقدان پست سازمانی و شرح وظایف کارکنان، ضمن آنکه مراکز خدمات را در زمینه تقسیم کار وظایف با دشواریهایی مواجه ساخته است امکان کسب تخصص و تجربه‌های شغلی را از کارکنان مراکز خدمات سلب کرده است.

۶- مراکز خدمات کشاورزی به حداقل نیروی انسانی پیش‌بینی شده در آییننامه مجهز نیستند در نتیجه نمی‌توانند وظایف و مسئولیتهای خود را به‌انجام برسانند.

۷- تمرکز اختیارات در وزارت کشاورزی و صدور بخشنامه‌هایی که به صورت نسخه‌ای همگانی و برای کل مناطق کشور تهیه شده است قوه ابتکار و خلاقیت را از مراکز خدمات سلب کرده است و قدرت تصمیم‌گیری را در مراکز خدمات دهستان کاهش داده است.

۸- طولانی بودن مسیر رفت و برگشت طرحهای عمرانی جهت تصویب و دیر رسیدن اعتبارات پیش‌بینی شده امکان اجرای طرحهای عمرانی را در زمان پیش‌بینی شده با دشواریهایی مواجه ساخته است.

۹- عدم تصویب بودجه درخواستی مراکز و کاهش تدریجی اعتبارات، مراکز خدمات را در اجرای پروژه‌های زیربنایی با مشکلاتی مواجه ساخته است.

۱۰- عدم رعایت ضوابط و اولویتهای پیش‌بینی شده در آییننامه در زمینه واگذاری ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و اولویت ندادن به روستاهای محروم و روستاییانی که از امکانات کمتری برخوردارند در مواردی به توزیع ناعادلانه ماشین‌آلات منجر شده است. از سوی دیگر عدم نظارت و کنترل کافی موجب شده است تراکتورهای دریافتی در مواردی به مصارف غیر کشاورزی برسند و در پاره‌ای از موارد نیز روانه بازار آزاد شوند.

۱۱- عدم دقت در خرید تراکتورها و ماشینها و ادوات و لوازم مثل خرید و یا اکتیاع ناقص آنها مانند خرید تراکتور فیات بدون گاوآهن، موجب به هدر رفتن اسوال و وقت می‌شود.

۱۲- کمبود امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز در بعضی از مراکز خدمات، امکان ایجاد تعمیرگاههای ماشین‌آلات کشاورزی را از مراکز خدمات سلب نموده و مراکز خدمات را در این مورد با مشکلاتی مواجه ساخته است.

- ۱۳- کمبود لوازم و قطعات یدکی ماشین آلات امکان، تهیه و توزیع قطعات مورد نیاز روستاییان را از مراکز خدمات روستایی سلب نموده است.
- ۱۴- کمبود داروهای دامپزشکی (ضد انگلی داخلی، داروهای کلینکی، سموم انگلهای جلدی)، و کمبود دامپزشک و عدم مجوز استخدام نیروی انسانی مورد نیاز دامپزشکی کارآیی مراکز خدمات را در ارائه خدمات دامپزشکی کاهش داده است.
- ۱۵- کمبود نیروی انسانی مورد نیاز بویژه کارشناس در زمینه های مختلف موجب شده است که طرحهای عمرانی علی رغم آنچه در آییننامه پیش بینی شده است در سطح شهرستان تهیه شود، در نتیجه بخش عظیمی از وظایف مراکز خدمات دهستان به شهرستان انتقال یافته است و به موازات آن از قدرت تصمیم گیری مراکز خدمات دهستان کاسته شده است.
- ۱۶- سازمان تعاونی روستایی که در واقع به منزله بازوی اقتصادی مراکز خدمات روستایی به شمار می رود از بنیه مالی و امکانات کافی برخوردار نیست و نمی تواند خدمات و مسئولیتهای محوله بویژه در قبال مراکز خدمات روستایی را به انجام برساند.
- ۱۷- و بالاخره متفاوت بودن مراجع تصمیم گیری در امور کشاورزی از یکسو و تعداد سازمانها و نهادهای دست اندر کار خدمت رسانی به روستاها از سوی دیگر جریان تصمیم گیری در امور کشاورزی و عرضه خدمات به روستاها را با دشواریهایی مواجه ساخته است.

توصیه ها و رهنمودها

- به منظور رفع سوانح و مشکلاتی که بر سر راه مراکز خدمات روستایی قرار گرفته است توصیه ها و رهنمودهای زیر ارائه می شود :
- ۱- نخستین گام در جهت کارا ساختن مراکز خدمات روستایی جلب مشارکت فعالانه روستاییان در جریان تصمیم گیریهای مربوط به خویش است. برای این منظور پیشنهادات زیر ارائه می شود :
- الف - با آموزش روستاییان و افزایش میزان آگاهی آنان نسبت به اهداف، وظایف و اختیارات شورا و شرایط انتخاب شوندگان می توان بی اعتنایی در روستاییان را از بین برد و آنها را از حاشیه به متن جامعه خویش کشانید و زمینه اعمال حاکمیت آنان را بر سرنوشت خویش هموار ساخت.
- ب - به منظور مشارکت فعالانه روستاییان در انتخابات شورا و در نهایت امر جهت کار- آیی شوراهای روستایی که باید به تنها مرجع رسمی تصمیم گیری در سطح روستا در آید باید در تشکیل شورای ده نسبت وزنی جمعیت هریک از اقشار عمده روستایی رعایت گردد.
- ج - از آنجا که شوراهای روستایی باید بتوانند وظایف و مسئولیتهای سنگینی را که در

آییننامه مراکز خدمات پیش‌بینی شده است انجام دهند و انجام این وظایف بدون تردید مستلزم داشتن تجربه در امور کشاورزی و امور تولیدی مربوط به روستا است باید روستاییان را با شرایط عضویت در شورا آشنا کرد تا افرادی به شوراها راه یابند که بتوانند وظایف و مسئولیتهای خود را انجام دهند.

د- شورای دهستان باید براساس آنچه در آییننامه پیش‌بینی شده است از میان نمایندگان شوراهای اسلامی روستاهای محدوده دهستان تشکیل گردد.

ه- حتی المقدور باید از انحلال شوراهای روستایی جلوگیری کرد و در مواردی که انحلال شورا اجتناب‌ناپذیر است باید شوراهای جدیدی را تشکیل داد تا نیازهای کشاورزان به مراکز خدمات اعلام شود.

و- اعضای شوراهای اسلامی روستایی باید به‌طور مستمر آموزش ببینند و در جریان فعالیتها و طرحهای عمرانی مراکز خدمات قرارگیرند تا بتوانند مشارکت روستاییان را در اجرای طرحهای عمرانی مراکز خدمات جاب کنند.

ز- به‌منظور ایجاد هماهنگی و ارتباط متقابل بین دوشورای ده و دهستان بایستی ملاکهای عضویت در این شوراها هماهنگ گردد. همچنین برای آنکه این شوراها از کارایی هر چه بیشتر برخوردار شوند باید در کنار سایر ملاکهای لازم جهت عضویت در شورا به تجربه و دانش کشاورزی نیز اهمیت بیشتری داده شود.

۲- مراکز خدمات باید به یکپارچه کردن اراضی در داخل نسق زراعی کشاورزان ادامه دهند تا بتدریج یکپارچگی اراضی مزروعی عملی شود.

۳- بهره‌برداری گروهی از عوامل تولید باید بتدریج و به‌صورت مرحله‌ای باشد و مراکز خدمات روستایی با توجه به ساخت فرهنگی و اجتماعی روستاها باید بتدریج در این زمینه اقدام کنند.

۴- به‌منظور کارایی مراکز خدمات روستایی باید با توجه به وسعت حوزه عمل مراکز و میزان محرومیت مناطق مراکز خدمات به امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز مجهز گردند.

۵- در جذب و بکارگیری نیروی انسانی مورد نیاز مراکز خدمات حتی المقدور باید سعی شود از افراد بومی که قادر به سکونت در مراکز دهستانها باشند استفاده شود.

۶- به‌منظور آنکه مراکز خدمات روستایی بتوانند وظایف و مسئولیتهای خود را انجام دهند تجهیز این مراکز به حداقل نیروی انسانی متخصص که در آییننامه پیش‌بینی شده است ضرورت دارد.

۷- برای آنکه مراکز خدمات روستایی بتوانند به‌طور تمام‌وقت در مراکز دهستانها مستقر و آماده خدمت رسانی به کشاورزان باشند باید مراکز دهستانها را به حداقل امکانات رفاهی مجهز ساخت تا کارکنان مراکز خدمات بتوانند در مراکز دهستانها سکونت کنند.

- ۸- به منظور تسهیل در امر تقسیم کار از یکطرف و افزایش تجربه و مهارت‌های شغلی کارکنان مراکز خدمات از طرف دیگر ایجاد پست سازمانی و تعیین شرح وظایف کارکنان مراکز خدمات ضرورت دارد.
- ۹- به منظور افزایش قدرت تصمیم‌گیری مراکز خدمات دهستان دستورالعمل و بخشنامه‌ها باید با توجه به شرایط منطقه‌ای تهیه و صادر گردد.
- ۱۰- اجرای به موقع طرح‌های عمرانی مستلزم آن است که میسر طولانی رفت و برگشت طرح‌های عمرانی کوتاه شود و اعتبارات تصویب شده و مورد نیاز به موقع در اختیار مراکز خدمات روستایی قرار گیرد.
- ۱۱- اجرای طرح‌های عمرانی و فعالیت‌های پیش‌بینی شده مراکز خدمات مستلزم تصویب بودجه درخواستی است. در این زمینه توصیه می‌شود که اعتبارات درخواستی مراکز به ویژه در زمینه پروژه‌های زیربنایی به موقع تصویب شود و در اختیار مراکز خدمات قرار گیرد تا مراکز خدمات بتوانند در زمینه توسعه منابع آب و خاک و در نهایت افزایش تولیدات کشاورزی وظایف خود را انجام دهند.
- ۱۲- ضوابط و ملاک‌های واگذاری ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی به روستاییان باید مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم در ملاک‌های واگذاری ماشین‌آلات تغییراتی داده شود، براساس آن بتوان به اولویت‌های پیش‌بینی شده در آییننامه مراکز خدمات در زمینه واگذاری ماشین‌آلات جامه عمل پوشاند و از تخلفات موجود مانند استفاده از ماشین‌آلات در جهت غیر کشاورزی و فروش تراکتور جلوگیری نمود.
- ۱۳- به منظور جلوگیری از استهلاک زودرس ماشین‌آلات کشاورزی بایستی مراکز خدمات دهستان به نیروی انسانی متخصص و سایر امکانات تعمیرگاهی مجهز شوند و باتأمین لوازم و قطعات یدکی بتوانند خدمات مورد نیاز را ارائه دهند.
- ۱۴- ارائه خدمات دامپزشکی مستلزم آن است که مراکز خدمات به اندازه کافی دامپزشک استخدام کنند و داروهای دامپزشکی نیز در اختیار خدمات دهستان قرار گیرد.
- ۱۵- مراکز خدمات کشاورزی باید به امر آموزش، تحقیق و ترویج اهمیت بیشتری بدهند و در نتیجه باید کادر کارشناسی مورد نیاز خود را استخدام کنند و سایر امکانات آموزشی را تهیه نمایند تا بتوانند با تشکیل کلاس‌های آموزشی در فصل زمستان روستاییان را در زمینه‌های زراعت، باغبانی و دامداری آموزش دهند. همچنین با انجام تحقیقات کافی موانع و تنگناهای موجود بر سر راه اشاعه و ترویج شیوه‌های نوین کشاورزی و کاربرد ماشین‌آلات را شناسایی کنند و با ایجاد مزارع نمونه‌ای مزایای روش‌های نوین کشاورزی را در عمل به کشاورزان پیاموند و زمینه ترویج و اشاعه روش‌های نوین کشاورزی را هموار سازند.

- ۱۶- با تجهیز مراکز خدمات دهستان به نیروی انسانی متخصص اسکان و تهیه طرحهای عمرانی در سطح دهستان میسر می شود و دهستان عملاً واحد برنامه ریزی مستقلی می شود و دیگر نیازی نیست برای تهیه و اجرای طرحها چشم به بالا بدوزد.
- ۱۷- مراکز خدمات کشاورزی هنگامی می توانند کار توزیع نهاده های کشاورزی را به سهولت انجام دهند که سازمان تعاونی وظایف و مسئولیتهای خود را در این زمینه انجام دهد. از این نظر سازمان تعاون روستایی باید امکانات مورد نیاز را فراهم کند تا بتواند وظایف محوله را انجام دهد.
- ۱۸- با ایجاد هم آهنگی در تصمیم گیریهای مربوط به کشاورزی و جلوگیری از تداخل وظایف سازمانها و نهادهای دست اندر کار خدمت رسانی به روستاها، می توان امکانات دولت را عادلانه تر بین روستاها توزیع کرد.

منابع و ماخذ

- ۱- مصطفی ازکیا و دیگران، ارزشیابی اثرات، خطمشی ها و سیاست های اجرایی مراکز خدمات کشاورزی، معاونت طرح و برنامه، وزارت کشاورزی ۱۳۶۶
- ۲- مصطفی ازکیا و دیگران ارزشیابی مراکز خدمات شهرستان فومن، همدان، بروجرد، معاونت طرح و برنامه، وزارت کشاورزی، فروردین ۱۳۶۵.
- ۳- مصطفی ازکیا و دیگران، بررسی اجتماعی- اقتصادی مراکز خدمات کشاورزی شهرستان گرمسار، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران ۱۳۶۳.
- ۴- معاونت طرح و برنامه، ارزشیابی مراکز خدمات کشاورزی شهرستان گلپایگان و خوانسار، مغان، وزارت کشاورزی آبان ۱۳۶۵.
- ۵- ثابت قدم، مراکزی تحت نام مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری تشکیل شده اند، سازمان برنامه و بودجه، بهمن ماه، ۱۳۶۱.
- ۶- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستائی ایران، اطلاعات ۱۳۶۵.
- ۷- معاونت طرح و برنامه، ارزشیابی مراکز خدمات قزوین، بندرعباس، بابل، وزارت کشاورزی، ۱۳۶۷.
- ۸- معاونت طرح و برنامه، اهداف، سیاستها و برنامه تشکیل و فعالیت مراکز خدمات کشاورزی و روستائی و عشایری، بی فا، وزارت کشاورزی.